

## شازده کوچولو - صفحه ۱۲۱

## #تاریخ ادبیات:

آنتوان دو سنت اگزوپری: صفحه‌ی ۱۵۸ / شازده کوچولو: صفحه‌ی ۱۶۴ کتاب درسی

## #معنای لغات:

شازده: شاهزاده / نرم = ملایم / بهره می‌جوید: استفاده می‌کند / کارفرما: صاحب کار / درنگ: توقف / مارِ بوا: نوعی مار خطرناک / درنده: وحشی / می‌بلعید: قورت می‌داد / هضم: تجزیه غذا بعد از خوردن / ماجرا: سرگذشت، رویداد / نخستین: اولین / شاهکار: کار بزرگ و ممتاز / درون: داخل / احتیاج: نیاز / باری: به هر حال، خلاصه / نصیحت: پند و اندرز، سفارش / فن ظریف: کار حساس و دقیق / ناچار: مجبور / کمابیش: کمتر یا بیشتر / از کار افتاد: خراب شد / تعمیر: اصلاح و بازسازی خرابی / آبادی: محل قابل زندگی / لابد: شاید / حدس بزنی: پیش‌بینی کنید / حیرت = شگفتی / آدمک: آدم کوچک / وقار: سنگینی رفتار، متانت / به نظر نمی‌آید: اینگونه نبود / وحشت زده: ترسیده / بلافاصله: سریع، فوری / آذرخش: صاعقه، رعد و برق آسمان / نگرِیست: نگاه کرد / عزیمت: حرکت کردن، رفتن / پی بردم: فهمیدم / مِهَر می‌ورزد: علاقه دارد / راز: سر / فاش: آشکار / لا به لای: بین / دانش‌اندوزی: کسب علم / سرکشی: بازرسی و بررسی / مشاهدات: آنچه دیده شده / آها: بلی، آری (شبه جمله است) / مالک: صاحب / کشف: پی بردن، پیدا کردن برای اولین بار / بدان: به آن / اهلی: رام شده / تأمل: فکر کردن / عالم: جهان / همتا: مثل و مانند / یکنواخت: یکسان، بی تب و تاب، بی هیجان / لانه: آشیانه / فرو خواهد خزان: فرو خواهد برد / نغمه: آواز / وداع: خداحافظی / آوخ: افسوس، حسرت خوردن (شبه جمله) / اندوه بار: غمگین، ناراحت کننده / حیف: افسوس، دریغ (در این درس، شبه جمله است) / سعادت: خوشبختی / مفتون: عاشق، شیفته / فراغت: آسودگی / لطفی دارد: خوشایند است، دل پسند است / بازمی‌یافتند: دوباره پیدا می‌کردند / تلخیص: خلاصه کردن

## #آرایه‌ها:

مسئله‌ی مرگ و زندگی ← کنایه از بسیار مهم بودن / نور اندیشه ← اضافه‌ی تشبیه‌ی / ذهنم را روشن کرد ← کنایه از متوجه شدم / نوری هم‌چون آذرخش ← تشبیه / نور، روشن و آذرخش ← تناسب / دل شب ← اضافه‌ی افترازی / سرگرم ← کنایه از مشغول بودن / سر برداشت ← کنایه از بی‌توجهی / زندگی من چون خورشید ← تشبیه / صدای پا همچون نغمه‌ی موسیقی ← تشبیه / از گوشه‌ی چشم نگاه کردن ← کنایه از نگاه غیر مستقیم و با احتیاط / تصویر گل سرخ همچون شعله‌ی چراغ ← تشبیه / از کار فراغت یافتم ← کنایه از اتمام کار / به ستارگان گوش فرادهم ← حس آمیزی / ستارگان لبخند می‌زنند ← تشخیص

## #تکات دستوری:

یگانه دوست: ترکیب وصفی مقلوب

## #خودارزیابی:

- ۱- وقتی در صحرای آفریقا هواپیمایش از کار افتاد، ناگهان با آدمکی روبرو شد.
- ۲- چون مالک چیزی بودن، وقتی برای همدیگر فایده‌ای نداشته باشند کاری بیهوده است.
- ۳- می‌خواست زندگی‌اش از یکنواختی خارج شود.

نوع نثر: ترجمه (ساده و تخیلی)